



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و ششمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

پاییز ۱۴۰۳

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۳۹۹۵۱ (+۹۸۲۱)

وب سایت: www.cbi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره گزارش: ۱۴۰۳۰۷/۹۶/۱۰۶/۱	شناسه گزارش
عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی * یکصد و ششمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۰	
واژگان کلیدی: شورای فقهی، مشروح مذاکرات، اوراق بهادار سازی، قرارداد مشارکت مدنی، قانون بانک مرکزی.	
تاریخ انتشار گزارش: پاییز ۱۴۰۳	

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

- اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)..... ۴
- مشروح مذاکرات مرتبط با دستور اول: «اوراق بهادارسازی مطالبات حسابرسی شده مؤسسات اعتباری از دولت و شرکت‌های دولتی»..... ۵
- مشروح مذاکرات مرتبط با دستور دوم: «اصلاح ماده (۳) فرم یکنواخت قرارداد مشارکت مدنی»..... ۱۷

اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)^۱

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی قدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله محمد سعید واعظی (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله حسن آقا نظری شاهرودی (عضو شورای فقهی)
۴. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۵. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)
۶. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (عضو شورای فقهی)
۷. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)
۸. آقای دکتر حسین فهیمی (عضو شورای فقهی)
۹. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (مشاور رئیس کل بانک مرکزی)
۱۰. آقای دکتر جواد آزاد (رئیس مرکز مدیریت بدهی‌ها و روابط مالی دولت خزانه داری کل کشور)
۱۱. آقای علی خاتمی (سرپرست معاونت مرکز مدیریت بدهی‌ها و روابط مالی دولت خزانه داری کل کشور)
۱۲. خانم دکتر الهام چیت‌سازان (مدیر اداره مطالعات و مقررات بانکی)
۱۳. آقای دکتر سید محمدرضا حسینی‌پور (دستیار ویژه قائم‌مقام رئیس کل بانک مرکزی)
۱۴. آقای دکتر حسین میثمی (دبیر شورای فقهی و مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی بانک مرکزی)
۱۵. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۶. خانم زهرا نظری (رئیس گروه اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۷. آقای علی معروف‌خانی (رئیس گروه اداره مطالعات و مقررات بانکی)
۱۸. آقای محمدحسین منصوری (کارشناس اداره مطالعات و مقررات بانکی)
۱۹. خانم دکتر راضیه آهنگر (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۰. آقای مهدی شهبازی (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۱. آقای کوروش بروجی (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۲. خانم مریم بیدخوری (محقق اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

^۱ از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقایان دکتر محمدپور و دکتر افشار در این جلسه غائب بودند.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور اول:

اوراق بهادار سازی مطالبات حسابرسی شده مؤسسات اعتباری از دولت و شرکتهای دولتی

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید.

مصباحی مقدم: عرض تسلیت به مناسبت شهادت امام سید الساجدین علیه السلام و هم به مناسبت شهادت فاجعه بار آقای هنیه دارم. لطفا دستور جلسه را بفرمایید.

میثمی: برای این جلسه چند دستور داریم، ابتدا نامه خزانه داری کل کشور را قرائت می کنم. موضوع مورد بررسی مربوط به ماده (۱۰) قانون برنامه هفتم پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است؛ در این ماده بحث طراحی چند مدل بهادار اسلامی که به نام صکوک نام گذاری می شوند، مطرح شده است. بر اساس این ماده می توان چند مدل اوراق بهادار اسلامی طراحی کرد. پیشنهاد مطرح شده، موضوع اسناد خزانه همراه با کوپن سود است که این بحث قبلا در کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار مطرح شده است و در قالب حقوقی هبه یا هدیه به صورت غیرمشروط از طرف دولت، پذیرفته شده است؛ به این معنی که آن مازاد که تحت عنوان جبران تورم در این اوراق اسناد خزانه پرداخت می شود، به نظر می رسد که مبنای فقهی آن، هبه یک طرفه از سمت دولت است. درخواست همکاران خزانه داری جهت اجرای این ماده، مجدد همان موضوع می باشد. ملاحظات دبیرخانه به لحاظ کارشناسی دو مورد است: اول اینکه این دیون باید دیون واقعی باشد. دوم اینکه بحث اتحاد مالکیت که در کمیته فقهی بورس نیز مطرح شده و همچنین، شورای فقهی در دوره مشورتی خود در این مورد مصوبه ای نیز داشته است، مد نظر قرار گیرد. زیرا برخی بانکها، مانند بانک توسعه و تعاون بانک صنعت و معدن که سپرده پذیری ندارند، منابع آنها، منابع دولتی به حساب می آید و به نظر می رسد با دولت اتحاد مالکیت دارند.

لذا، دغدغه ای که به لحاظ کارشناسی وجود دارد، این است که در دیونی که مبنای انتشار اوراق روی بدهی های دولت به مؤسسات اعتباری و بانکها قرار می گیرد، اتحاد مالکیت وجود نداشته باشد. به نظر می رسد با رفع این دغدغه اشکال دیگری وجود ندارد.

خاتمی: در بند «ب» ماده (۱۰) قانون برنامه پیشرفت، تکلیفی بر عهده دولت گذاشته شده است که ظرف مدت ۳ ماه (مستحضر هستید که ابلاغ این قانون ۱۳ تیر ماه انجام شده است) کلیه بدهی های قطعی حسابرسی شده دولت به سیستم بانکی از طریق اوراق، اوراق بهادار سازی شود. چند نکته وجود داشت که ما این درخواست را به شورای فقهی بانک مرکزی داشته باشیم: ۱- از سال ۱۳۹۵ بنابر مصوبه کمیته فقهی سازمان بورس، اسناد خزانه تا این لحظه در حال استفاده است. آنچه تا اکنون به عنوان اسناد خزانه استفاده شده است، فاقد کوپن بوده و مبلغ مازاد بر مبلغ بدهی به عنوان جبران ضرر و زیان اشخاصی که این اسناد را دریافت می کنند، می باشد که به جهت حسن الوفاء است. در مصوبه کمیته فقهی اینگونه قید شده است که نباید از سمت ذینفع نرخ از پیش تعیین شده باشد و دولت باید با اختیار خود این مبلغ را هبه کند. در سال ۱۳۹۷ وزارت اقتصاد بنا داشت که برای طلبکاران عمده خودش، اسناد خزانه منتشر کند. از جهت اینکه بتوانیم اسناد بلند مدت منتشر کنیم، درخواستی از کمیته فقهی سازمان بورس داشتیم که بتوانیم اسناد خزانه کوپن دار منتشر کنیم. این اسناد، همان شرایط اسناد خزانه را دارد؛ فقط به جای اینکه حفظ قدرت خرید را در مبلغ اسمی حساب کند، آن را جداگانه و به صورت کوپن به فرد پرداخت می کند که خوشبختانه در سال ۱۳۹۷ این موضوع به تصویب رسید. لازم است اشاره کنم که در بند «ب» ماده (۱۰) قانون برنامه قید شده است که قالب حقوقی اوراقی که استفاده می شود، با وجود مصوبه کمیته فقهی، باید به تصویب شورای

فقهی بانک مرکزی رسیده باشد. لیکن، به لحاظ اینکه مرّ قانون رعایت شود و به نهادهای نظارتی پاسخگو باشیم، مجدداً همان اسناد خزانه کوپن‌دار را طرح کردیم. در اینکه چرا اسناد خزانه کوپن‌دار را انتخاب کردیم ۲ نکته وجود دارد: ۱- مهمترین نکته مربوط به زمان است؛ زیرا ساده‌ترین ابزاری که در کوتاه‌ترین زمان بتوانیم منتشر کنیم و تکلیف قانونی خود را انجام داده باشیم، استفاده از اسناد خزانه است. ۲- در حکم قانون صراحتاً اعلام شده است، اوراقی که بابت اوراق بهادارسازی مطالبات بانک‌ها به آنها داده می‌شود، حتماً باید یک جریان نقدینگی آتی داشته و دارای کوپن باشد. بنا براین، توضیحات، بهترین ابزاری که می‌توانیم استفاده کنیم، اسناد خزانه کوپن‌دار است که اگر در شورای فقهی مصوب شود، راهگشا است. همچنین، آیین‌نامه این اسناد برای دولت ارسال شده و سهم بانک‌ها نیز با مشارکت بانک مرکزی و سازمان برنامه تعیین شده است. قصد ما این است که بتوانیم از این ابزار برای اوراق بهادارسازی مطالبات بانک‌ها، استفاده کنیم.

رضایی: همان‌طور که فرمودید این موضوع در کمیته فقهی سازمان بورس چندین سال مورد بحث و بررسی قرار داشت. از سال ۱۳۹۱، این اوراق خزانه و بحث اتحاد مالکیت مطرح بود؛ زیرا اگر بانک‌ها خصوصی باشند، حساب‌ها متعلق به مردم است و اتحاد مالکیت اتفاق نمی‌افتد. اما اگر بانک‌ها دولتی باشند، به این مطلب باز می‌گردد. پولی که از دولت طلب دارند، از کدام حساب پرداخت کرده‌اند؟ از حساب مردم پرداخت شده یا از حساب سهامداران متعلق به دولت؟ در صورتی که از حساب‌های مردمی پرداخته کرده باشند، اتحاد مالکیت اتفاق نمی‌افتد و اشکالی به وجود نمی‌آید. مطلب دیگر اینکه اگر امکان دارد در رابطه با کوپن‌ها توضیح بیشتری داده شود. به عنوان مثال بانک الف از دولت یک میلیارد تومان طلب دارد. شما می‌خواهید به این بانک یک میلیارد اوراق خزانه بدهید که ۶ ماه یا یک سال بعد بتواند برداشت کند. بعد برای این اوراق کوپن‌هایی تعلق می‌گیرد و این کوپن‌ها از باب حسن‌الوفاء است. این دیون ممکن است از سال‌های گذشته وجود داشته باشد که تورم نیز شامل آنها شده و ارزش آنها کاهش پیدا کرده است. بانک‌ها یک میلیارد چند سال قبل به دولت پرداخت کرده‌اند. اکنون که دولت می‌خواهد آن بدهی را پرداخت کند، مبلغی اضافه به اختیار خودش مبلغی اضافی در نظر می‌گیرد؛ زیرا دولت در آینده نیز به بانک‌ها نیاز دارد. لذا، سعی می‌کند اعتبار خود را حفظ کند. اگر کسی به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) قرض می‌داد، همه می‌دانستند که ایشان آن قرض را با اضافه پرداخت می‌کردند. در این قرض قید و شرطی وجود نداشت؛ یعنی اگر ۱۰۰۰ تومان به پیامبر قرض می‌دادند، می‌دانستند که ایشان مثلاً ۱۵۰۰ تومان باز می‌گردانند؛ به همین دلیل این کار استحباب دارد.

شورای نگهبان نیز در آن زمان که این مسئله در سازمان بورس مطرح شد، موضوع اضافه پرداخت کردن را از باب حسن‌الافوا یا حسن‌القضاء پذیرفتند. حال آیا اینگونه است که با دادن کوپن به آن طرف می‌گویید که هر ۳ ماه می‌توانید آن اضافه‌ای را که باید در طول چند سال پرداخت کنم، دریافت کنید و اصل مبلغ نیز در پایان دریافت می‌شود. اگر این فرد در بازار طلب خود را از دولت (اوراق) فروخت، دین را تنزیل کرده و دین نیز واقعی بوده و اشکالی ندارد و ساختار آن صحیح است. برای چند سال می‌خواهید مطرح کنید؟ کوپن‌های ۵ ساله را به صورت یک جا می‌خواهید تحویل دهید؟ یا به صورت ۶ ماه یک بار که نرخ‌ها به لحاظ اقتصادی موثر باشند؟

خاتمی: این نکاتی که فرمودید، پیش از این نیز در اسناد خزانه حاکم بود و به همین جهت، زمانی که اسناد خزانه واگذار می‌شد، ما در آیین‌نامه بندی را پیش‌بینی کرده بودیم که اگر شرکت دولتی این اسناد را از دولت (دستگاه اجرایی) گرفت، اجازه ندارد معامله ثانوی انجام دهد. زیرا به نوعی تأمین مالی غیرمستقیم دولت از محل اسناد خزانه می‌شود و این مخالف با مصوبات کمیته فقهی است. در حکم قانون برای بهادارسازی اوراق، این مطلب به نحوی پوشش داده شده است؛ یعنی اعلام شده است، اوراقی که دولت به بانک‌ها واگذار می‌کند، فقط در سیستم بین‌بانکی و بانک مرکزی قابل مبادله است و اساساً اجازه ندارند، معامله ثانوی بر این اوراق داشته باشند. تا الان

رقم بدهی ثبت شده در ترازنامه بانکها و حساب دولت وجود داشت که این رقم تا پیش از این هیچ فایده‌ای نداشته است و سالانه بروزرسانی می‌شد. اصطلاحاً بدهی قبلاً منجمد بود و هیچ کارایی نداشت؛ لذا، انتشار اوراق بدهی کارکرد جدیدی پیدا می‌کند.

مصباحی مقدم: یعنی بر اساس شاخص بانک مرکزی بروزرسانی می‌شد؟

خاتمی: بله، بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار بروزرسانی می‌شد. اکنون اتفاقی که افتاده اینگونه است که می‌گویند، این بدهی منجمد را به یک ورقه بهادار و دارایی تبدیل کنید، تا بانک بتواند آن را در تعاملات بین‌بانکی خود و در تعامل با بانک مرکزی در قالب رپو به وجه نقد (هر زمان که نیاز دارد)، تبدیل کند. اما اجازه ندارد این را در بازار ثانوی به فروش رساند و شخص ثالث در این گردش مالی بین دولت و بانک، اضافه شود؛ زیرا قانون اجازه نمی‌دهد.

رضایی: یعنی این موضوع از حیث شرعی نیست؛ بلکه به لحاظ قانون است.

خاتمی: بله، با توجه به این موضوع، بحث معامله ثانوی و اینکه از مردم استقراض شود، بسته می‌شود و این مشکل را حل می‌کند. در بحث سودها که فرمودید این موضوع در آیین‌نامه دولت است. آنچه که اکنون مد نظر وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه است، این است که کوپن‌ها یک ساله در نظر گرفته شوند؛ زیرا قصد ما این است که جریان نقدی برای این اوراق به وجود آید و اگر ۵ ساله باشد و به تعویق افتد، در عمل اتفاق خاصی نمی‌افتد. فقط می‌تواند ۵ سال بعد سودش را دریافت کند؛ لذا، ترجیح ما این است که یک ساله باشد. علت اینکه چرا کمتر از یک سال بسته نمی‌شود، به دلیل این است که بودجه امسال بسته شده است و اگر ۶ ماهه بود، باید امسال سود پرداخت می‌شد که منابع لازم در بودجه امسال وجود ندارد. بنابراین، حداقل زمانی که می‌توانیم برای این کوپن‌ها از تاریخ انتشار قائل شویم، یک ساله می‌باشد.

رضایی: منظور بنده این است که اول باید موضوع طلب واقعی حل شود؛ سپس بحث اتحاد مالکیت، یعنی بانک به وکالت از مردم این اوراق را می‌گیرد و منافع این اوراق متعلق به مردم می‌باشد، نه سهامداران بانک که همان دولت است و در بانک‌های خصوصی به نحو دیگری است.

ابوالحسنی: این تصمیم، یک گام مثبت است که در قانون برنامه هفتم برداشته شد؛ به دلیل اینکه دولت مدت‌ها بود که به بدهی خود نزد بانک‌ها توجه نمی‌کرد. هر سال این بدهی‌ها انباشته می‌شد و ترازنامه بانک منبسط می‌شد، بدون اینکه نقد شوند باشد. همچنین، دولت یا به صورت یکجا منابع را در اختیار نداشت یا به دلایلی از انگیزه لازم برای بازپرداخت منابع برخوردار نبود و به همین دلیل مجلس در برنامه هفتم این ماده را ذکر کرد و در مجمع نیز حذف نشد. این مسئله از نظر مسائل بانکی یک گام بسیار مثبت است و بر دولت نیز فشار نمی‌آورد؛ زیرا دولت می‌تواند متناسب با زمان به طلبکاران خود اوراق عرضه کند. اشکالی که دکتر رضایی فرمودند، پیرامون خصوصی یا دولتی که آیا اتحاد مالکیت ایجاد می‌شود یا خیر؟ طبیعتاً شکل می‌گیرد. در بانک‌های خصوصی که اتحاد مالکیت ایجاد نمی‌شود؛ البته خصوصی به معنای واقعی نداریم. بلکه به این معنا است که بخش دولتی را از بخش عمومی جدا کنیم؛ اینگونه می‌شود که بعضی از بانک‌ها را خصوصی فرض کنیم و یک سری از بانک‌های وابسته به نهادها را عمومی فرض کنیم و بگوییم متعلق به دولت نیست. به عنوان مثال بانک ملی که صد در صد دولتی است، آنچه که ادعای خود بانک است، بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان از دولت طلب دارد. آنچه که از این طلب پذیرفته شده و قطعی است تا سال ۱۴۰۲ حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان است. حال دولت می‌خواهد ۳۰ هزار میلیارد تومان بدهی خود را از طریق اوراق کوپن‌دار به بانک پرداخت کند. لذا، به مفهوم این راهکار پردازیم. خود اوراق یعنی اصل بدهی متعلق

به سال آینده و سال‌های بعد است. این موضوع بر سود و زیان بانک تأثیر می‌گذارد، هر چند تأثیر آن کم باشد. این کوپن‌ها دیونی است که بر فرض اگر امسال ۶ ماهه یا ۹ ماهه داده شود، در ترازنامه بانک ثبت می‌شود و این بر سود و زیان بانک تأثیر می‌گذارد.

مصباحی مقدم: آقای دکتر بحث این نیست که بر سود و زیان بانک تأثیر می‌گذارد، بلکه بحث این است که کدام بدهی است که به اوراق تبدیل می‌شود؟

ابوالحسنی: به ماهیت بدهی اشاره خواهیم کرد. ابتدا این مسائل را توضیح بدهم؛ این موضوع پس بر سود و زیان بانک تأثیر می‌گذارد و اگر سود تقسیم شود - که حداقل ۱۰ درصد می‌باشد - در صورت سود و زیان بانک تأثیر می‌گذارد. اما مسئله مهم این است که بدهی چگونه و از کجا ایجاد شده است؟ و از کدام محل اعطا شده است؟ آیا از پول سهامدار داده شده است؟ در سال ۱۳۹۷ یا ۱۳۹۸ یک بررسی صورت گرفت و در مجمع یک گزارش ارائه شد که برای بانکی مانند بانک ملی از زمان تاسیس تا این زمان، دولت حدود دو هزار میلیارد تومان پول آورده بود و آنچه در این زمان برداشت کرده بود، حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان بوده است.

اما اکنون این بدهی‌ها از کجا حاصل شده است؟ دولت در مسائل خود کسری می‌آورد مثلاً گندم خریداری می‌کند، لیکن، پول آن را ندارد که پرداخت کند. در این زمان به بانک ملی فشار می‌آورد که پول را پرداخت کند و این پول متعلق به سپرده‌گذاران است یا اینکه اگر نداشته باشد از بانک مرکزی تقاضای اضافه برداشت می‌کند و حسابش منفی می‌شود؛ سپس با منابعی که دریافت می‌کند در آینده اضافه برداشتش را تسویه می‌کند. بنابراین این بدهی توسط دولت ایجاد شده است؛ لیکن، تأمین بدهی متعلق به تعدادی از سپرده‌گذاران می‌باشد؛ لذا، صاحب اصلی این طلب، مردم هستند و بانک صاحب اصلی نیست؛ بلکه به‌عنوان وکیل است. زیرا از سرمایه قرض‌الحسنه پرداخت نمی‌کند. دولت برای قرض‌الحسنه بانک‌ها تکالیف زیادی قرار می‌دهد که نوبت به این مسائل نمی‌رسد. لذا، از همان مبالغ سپرده‌گذاری مردم، پرداخت می‌کنند و بر دولت فشار می‌آورند که سود این بدهی را بدهد؛ زیرا بانک‌ها برای این سرمایه‌ها به مردم سود می‌پردازند. لذا، از این منظر ما اطمینان خاطر پیدا می‌کنیم. اکنون در قانون ذکر شده است و شورای نگهبان نیز تأیید کرد و تأکید کرده که نوع عقد این موضوع را شورای فقهی بیان کند. ظاهراً موعده‌دار هم می‌باشد و دولت باید ظرف ۳ ماه پرونده این مسئله را مشخص کند. اخیراً خزانه‌داری کل نامه نوشته که برای ما تعیین تکلیف کنید. قانون گفته است باید ظرف مدت مثلاً ۳ ماه، تعیین تکلیف شود. بنابراین اگر این دستور امروز نهایی نشود قانوناً با مشکل مواجه خواهیم شد.

فهیمی: به موجب ماده (۱۰) قانون برنامه هفتم پیشرفت، دو نوع اوراق باید منتشر شود. نوع اول، اسناد خزانه کوپن‌دار است. به نظر نمی‌رسد که باید پیرامون این نوع در جلسه امروز شورای فقهی بانک مرکزی تصمیم‌گیری شود. زیرا در رابطه با این نوع اوراق، شورای نگهبان در گذشته تصمیم گرفته و نوع عقد آن را نیز مشخص کرده است و دستور انتشار آن نیز داده و گفته است باید ظرف سه ماه نسبت به کل بدهی دولت و شرکت‌های دولتی، این اوراق از طریق بانک مرکزی و سایر بانک‌ها منتشر تا بدهی دولت تسویه شود.

مصباحی مقدم: چرا شامل این شورا نمی‌باشد؟

فهیمی: زیرا عقد و شرایط آن و اینکه این اوراق به همراه کوپن داده خواهد شد، عیناً در قانون ذکر شده است. اما آنچه برای این شورا در نظر گرفته شده است و این نامه نیز به آن اشاره دارد؛ تبصره «۶» ماده (۱۰) این قانون است که بیان می‌دارد: «از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون هرگونه استفاده دولت و شرکت‌های دولتی از منابع شبکه بانکی باید در قالب تحویل اوراق مالی اسلامی قابل معامله در

بازار سرمایه به مؤسسات اعتباری صورت بگیرد». بنابراین، کمیته فقهی می‌تواند انواع مختلف اوراق مالی را تعریف کند، شرایطش را بگوید تا دولت و شرکت‌های دولتی از این اوراق بتوانند استفاده نموده و از منابع مالی بانک و بانک مرکزی استفاده کنند.

مصباحی مقدم: این طراحی برای تأمین مالی است.

فهیمی: از لازم‌الاجرا شدن قانون برنامه هفتم، دولت و شرکت‌های دولتی نباید سمت منابع بانک‌ها بروند. قانون این را ممنوع کرده است، مثلاً دولت نمی‌تواند به بانک بگوید اوراق گندم را بخرد یا تعهد دولت را پرداخت کند. سپس این را از بانک مرکزی بگیرد و بدهکار بانک مرکزی شود. دولت پول را فقط با انتشار اوراق می‌تواند بگیرد و اوراق باید در این شورا مطرح و تصویب شود. این اوراق بر خلاف اوراق نوع اول، در بازار سرمایه قابل معامله است و در قانون به این نکته اشاره شده است. بانک‌ها انواع مختلفی از اوراق را دارند که می‌توانند استفاده کنند.

مصباحی مقدم: اینکه می‌فرمایید در قانون برنامه آمده، محفوظ و درست است؛ اما دستور اول این جلسه، در رابطه با اوراق بهادارسازی مطالبات است.

میثمی: بله، نامه‌ای است که خزانه‌داری ارسال و از ما مطالبه کرده‌اند.

مصباحی مقدم: نامه خزانه‌داری این است: «اوراق بهادارسازی مطالبات حسابرسی شده مؤسسات اعتباری از دولت و شرکت‌های دولتی»؛ ما اکنون پیرامون این موضوع بحث می‌کنیم.

فهیمی: متن نامه خزانه‌داری اینگونه است: «به استحضار می‌رساند، به استناد تبصره ذیل جزء «۶» ماده (۱۰) قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت، عقود مورد استفاده برای انتشار اوراق مالی اسلامی موضوع این بند باید به تأیید شورای فقهی بانک مرکزی برسد» و اشاره شده که این عقود، عقود است که مورد معامله در بورس است.

مصباحی مقدم: فرمایش شما درست است، آیا این همان است؟

فهیمی: این عبارت‌هایی که نوشته‌اند، یک نوع مسامحه در تعبیر بوده و به صورت کلی نوشته‌اند. بخش اول قابلیت نقد ندارد؛ زیرا شورای نگهبان تمام ابعاد آن را بررسی کرده و تأکید کرده است که برای پرداخت بدهی دولت و شرکت‌های دولتی باید اسناد خزانه همراه با کوپن منتشر شود. صدر ماده (۱۰) این است: «معادل طلب حسابرسی شده مؤسسات اعتباری از دولت و شرکت‌های دولتی اوراق مالی اسلامی با سرسید حداکثر ۵ سال در اختیار مؤسسات اعتباری طلبکار قرار می‌گیرد، اوراق مالی اسلامی مربوط به بدهی دولت، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) و اوراق مالی اسلامی مربوط به بدهی شرکت‌های دولتی توسط شرکت دولتی بدهکار منتشر و تضمین شود، این اوراق حداکثر ظرف ۳ ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون باید به مؤسسات اعتباری تحویل داده شود».

خاتمی: تصور می‌کنم آقای دکتر فهیمی، تبصره ذیل جزء «۶» را به خود این جزء اطلاق کرده‌اند. ماده (۱۰) این است: «به منظور تعیین مطالبات قطعی بانک‌ها...». سپس ۶ جزء ذیل آن را بیان می‌کند. در بند «ب» که اشاره دارد به تعیین تکلیف مطالبات بانک‌ها از دولت و شرکت‌های دولتی، تأکید به عقود این بند می‌کند، یعنی باز می‌گردد به سطر بند «ب» که به صورت کلی بیان شده است. لذا، آقای دکتر فهیمی درست می‌فرمایند؛ در این ماده دو بحث وجود دارد: ۱- تاکنون دولتی بوده که به بانک‌ها بدهکار است؛

تکلیف این دولت چیست؟ ۲- در جزء «۶» می‌گویید که دولت در آینده چگونه باید رفتار کند که مانند امروز بدهکار نباشد؟ اگر می‌خواهد تسهیلات دریافت کند، باید در قالب اوراق تسهیلات بگیرد که سررسید و جریان درآمدی آن مشخص است. بنابراین، عقود مرتبط با تمامی اوراق (چه به عنوان بهادارسازی باشد و یا به عنوان تضمین تسهیلات باشد) باید در شورای فقهی مصوب شوند.

مصباحی مقدم: صورت مسئله، بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها است. این بدهی‌ها ناشی از استفاده بانک‌ها از منابع سپرده‌های مردم است که با این سپرده‌ها تأمین مالی کرده‌اند و اکنون دولت بدهکار شده است. این بدهی‌ها از مسیر تبدیل به اوراق، بهادارسازی می‌شوند. این همان اسناد خزانه است که در کمیته فقهی بورس مورد بررسی و مبنای قوانین بودجه سالانه نیز قرار گرفت که دولت‌ها از آن به صورت گسترده استفاده کردند. به نظر بنده این صورت مسئله متکی به بیع دین و تنزیل دین به همراه کوپن است. کوپن به صورت داوطلبانه از طرف دولت و بدون الزام حقوقی به عنوان حسن‌الوفاء به مطالبات اضافه می‌شود و به طلبکاران یعنی بانک‌ها پرداخت می‌شود. در واقع این منابع مالی و سپرده‌های مردم است که بانک‌ها به دولت قرض داده‌اند و سال‌ها پرداخت آن به تأخیر افتاده است و اکنون می‌خواهند آن را با یک کوپن اضافه که هدیه دولت است، پرداخت کنند و به صاحبان وجوه برگردانند.

فهمی: بانک‌ها حق ندارند این اوراق را در بازار بفروشند.

مصباحی مقدم: بسیار خوب، می‌تواند بین بانک‌ها و بانک مرکزی مورد مبادله قرار بگیرد؛ بنابراین، این موضوع ارتباطی به مسئله استفاده از منابع مالی بازار سرمایه ندارد.

میثمی: این ایده بسیار خوب است که بدهی‌ها بازارپذیر می‌شود؛ تنها نکته‌ای که وجود دارد بحث اتحاد مالکیت است که باید رعایت شود. بانک‌ها سه دسته هستند که باید تفکیک شوند: ۱- بانک‌های خصوصی که حکم آنها روشن است و اتحاد مالکیت وجود ندارد. ۲- بانک‌های دولتی که اکثریت منابع و سپرده‌های آنها، خصوصی است (مانند بانک ملی) که اشکالی وجود ندارد. ۳- بانک‌های دولتی که سپرده‌پذیری خصوصی ندارند، (مانند بانک صنعت و معدن و بانک توسعه صادرات) که این موارد به نظر ما دارای اشکال اتحاد مالکیت است و باید به صورت موردی بررسی شود. در متن مصوبه پیشنهادی اینطور عنوان شده است که بحث اتحاد مالکیت به صورت موردی بررسی شود.

مصباحی مقدم: توجه کنید آنچه که باید ما به عنوان شورای فقهی نظر دهیم، در صورت مسئله به طور کامل مشخص است؛ یعنی تنزیل مطالباتی که بانک‌ها بابت منابع مالی مردم از دولت دارند. لذا، بانک‌های صنعت و معدن، توسعه صادرات و غیره نسبت به این حکم خروج موضوعی پیدا می‌کنند و تطبیق این مسئله به عهده بانک مرکزی است که کدام بانک می‌تواند از این اوراق استفاده کند و کدام بانک نمی‌تواند. شورای فقهی حکم شرعی مسئله را بیان می‌کند.

میثمی: آقای دکتر ما با این مبنا، دو بند نگارش کرده‌ایم.

مصباحی مقدم: قرائت کنید؛ اگر دوستان نظری ندارند، تصویب کنیم.

خانم نظری: مصوبه بدین شکل نگارش شده است: «گزارش دبیرخانه شورای فقهی در خصوص نامه خزانه‌داری کل کشور و در راستای استفاده ظرفیت پیش‌بینی شده در بند «ب» ماده (۱۰) قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران موضوع

اوراق بهادارسازی مطالبات حسابرسی شده مؤسسات اعتباری از دولت و شرکت‌های دولتی در یکصد و ششمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ شورای فقهی مطرح و موارد ذیل مورد تصویب قرار گرفت:

الف) در صورتی که دولت داوطلبانه و تبرعاً مازادی را به طلبکاران خود تحت عنوان هبه در قالب کوپن سود و با هدف حسن‌القضاء یا حسن‌الوفاء تخصیص دهد، از منظر فقهی مجاز می‌باشد.

تبصره: در حالت مذکور ضرورت دارد اطلاع‌رسانی با ادبیات گفتاری صحیح به مشتریان در زمینه مشروط نبودن پرداخت مازاد انجام شود تا از شکل‌گیری هرگونه شروط ضمنی، ارتكازی، تبانی و مبنی‌علیه‌العقد جلوگیری شود.

ب) صرفاً آن دسته مطالبات مؤسسات اعتباری از دولت و شرکت‌های دولتی قابلیت اوراق بهادارسازی را دارند که روابط مالکیتی یا اتحاد مالکیت فی‌مابین طرفین وجود نداشته باشد. تشخیص مصادیق این موضوع بر عهده شورای فقهی بوده و استعلام موارد در این خصوص از شورا الزامی است.

مصباحی مقدم: مانعی ندارد که تشخیص مصادیق توسط خود بانک مرکزی انجام گیرد. آنچه که اهمیت دارد، اصل مسئله است؛ یعنی اگر بانک‌ها، منابع مالی دولتی در اختیار دارند و این منابع را در اختیار دولت قرار داده باشند، این طلب، واقعی نیست. بنابراین، این مطالبات نمی‌تواند به عنوان بیع دین به اوراق تبدیل شود. در صورتی که منابع مالی مطالبات، متعلق به مردم باشد و بانک‌ها از دولت یا شرکت‌های دولتی طلبکار باشند، این موارد می‌تواند به اوراق بهادار تبدیل شود و اگر به همراه اضافه و سود داوطلبانه از طرف دولت باشد، شرعاً مانعی ندارد. اگر دوستان این عبارت را قبول دارند، اعلام بفرمایند.

ابوالحسنی: دو نکته در رابطه با این مصوبه وجود دارد: ۱- تبصره بند (۱) که پیرامون ادبیات گفتاری به مشتری است؛ این مطالبات قبلاً از پول‌های مشتریان برداشت شده و به دولت داده شده است. در این زمان تکلیف چیست؟ باید مشتری را فرخوان کنیم و به او اعلام شود؟

رضایی: بانک نباید فکر کند که این زیاده‌ای که دولت به او می‌دهد، را طلبکار است.

ابوالحسنی: این زیاده به بانک داده نمی‌شود و بانک صرفاً وکیل است. بانک می‌گوید من وکیل هستم و می‌خواهم طلب خود را دریافت و به مردم پرداخت کنم. این باید به مشتری اعلام شود و بانک موظف است اطلاع‌رسانی لازم را انجام دهد. مطلب دوم آنکه، عبارت: «صرفاً آن دسته از مطالبات مؤسسات اعتباری از دولت یا شرکت‌های دولتی قابلیت اوراق بهادارسازی دارند که اتحاد مالکیت در آن نباشد» کفایت می‌کند و تشخیص و تعیین مصادیق آن لازم به ذکر نیست. این به عهده خود دولت است؛ زیرا سهامداری به عهده دولت است؛ بنابراین، شما یک مسئله فقهی را بیان می‌کنید که اتحاد مالکیت نباشد و تمام.

خاتمی: در انتهای ماده (۱۰) یک تکلیف را مشترکاً بر عهده بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه و همچنین، وزارت اقتصاد گذاشته است که سهم هر کدام از بانک‌ها باید تعیین شود. این در حال صورت جلسه شدن است و تمام این مصوبات در آنجا قابل بحث و تصمیم‌گیری است.

مصباحی مقدم: این مرتبط با شورای فقهی نیست.

عرب‌مازار: پیرامون بحث اتحاد مالکیت یک سؤال مطرح می‌شود. در حال حاضر بدهی‌های دولت در دفاتر ثبت شده است و بانک‌ها روی این بدهی‌ها عملاً نمی‌توانند کاری انجام دهند تا زمانیکه سررسید شود. اگر دولت به بانک‌ها اوراق دهد، آیا اشکال در انتشار اوراق است یا پرداخت سود اوراق؟

مصباحی مقدم: در سود است.

عرب‌مازار: بسیار خوب، سود را پرداخت نمی‌کند؛ لیکن، اوراق به آنها می‌دهد. زیرا منشأ مسئله این است که منابع در حساب‌های بانک مسدود و منجمد است و هیچ کاری با آنها نمی‌تواند انجام دهد. اگر بتواند بخشی از بدهی خود به بانک مرکزی یا به سایر بانک‌ها را با آن اوراق پرداخت کند، مشکل آن بانک حل می‌شود.

مصباحی مقدم: از این اوراق نمی‌تواند پرداخت کند. اگر اوراق دیگری طراحی شود و ما در این شورا بررسی کنیم، مانعی ندارد. عبارت مصوبه پیشنهادی را دوباره بخوانید.

خانم نظری: «الف» در صورتی که دولت به صورت داوطلبانه و تبرعاً مازادی را به طلبکاران خود تحت عنوان هبه در قالب کوپن سود و باهدف حسن‌القضاء یا حسن‌الوفاء تخصیص دهد، از منظر فقهی مجاز می‌باشد.

ب) صرفاً آن دسته از مطالبات مؤسسات اعتباری از دولت و شرکت‌های دولتی قابلیت اوراق بهادارسازی را دارد که روابط مالکیتی یا اتحاد مالکیت فیما بین طرفین وجود نداشته باشد.»

مصباحی مقدم: مورد الف و ب جابجا شود، زیرا موضوع اصلی اوراق بهادارسازی مطالبات است. دوستان اگر نکته‌ای مد نظرشان است، بفرمایند.

ابوالحسنی: قبل از اینکه رأی‌گیری شود، دو سؤال مطرح است. آقای خورسندیان این طلبی که بانک صنعت و معدن از دولت دارد، آیا پول خود دولت بوده و یا بانک به دولت تسهیلات داده است؟

خورسندیان: به صورت مطلق اینگونه نیست که تمام منابع موجود در بانک، همان منابع دولت باشد. زیرا، یک مقدار متعلق به شرکت‌هایی است که مشتریان ما هستند و آنها سپرده‌هایی دارند که مبالغ آنها قابل توجه بوده و تفکیک این منابع برای ما مشکل است.

ابوالحسنی: بله، قصد داشتم این موضوع روشن‌تر شود. در آنجا که اتحاد مالکیت، ذکر شده است، فرض بر این است که برخی بانک‌ها منابع دولتی داشته‌اند. زیرا دولت سهامدار بوده و پول آورده است و از همان پرداخت کرده‌اند. با وجودی که در واقع اینگونه نیست.

مصباحی مقدم: یعنی منابع مردم نیز نزد بانک وجود دارد؟

ابوالحسنی: بله، منابع مردم نزد بانک‌ها وجود دارد و شرکت‌های خصوصی نیز سپرده دارند.

مصباحی مقدم: از این منابع اشکال ندارد و اتحاد مالکیت شامل این موارد نمی‌شود.

رضایی: تفکیک منابع به چه معناست؟

خورسندیان: یعنی بدانیم بدهی ما به دولت از محل پول‌هایی است که دولت نزد ما قرار داده یا از منابع سپرده‌ها.

ابوالحسنی: این بانک‌ها دو دسته پول از دولت دریافت می‌کنند. یک دسته وجوه اداره می‌باشد که دولت مشخص می‌کند در چه حوزه‌ای تخصیص یابد، دسته دیگر وجوهی است که دولت از ابتدا جهت تأسیس آورده است و غیر از این دولت‌ها پولی نمی‌آورند. همه بدهی‌های ایجاد شده با فشار آوردن بر بانک بوده است تا از منابع در اختیارش پرداخت کند و الزاماً مالکیت تمام این منابع متعلق به دولت نیست، حتی در جایی که دولت سهامدار است.

مصباحی مقدم: البته این نکته وجود دارد و منابعی که دولت داشته و به بانک پرداخت کرده و در ادامه بانک با آن کار کرده و سود محقق شده، اینها همگی متعلق به دولت است.

رضایی: آقای دکتر خورسندیان فرمودند معمولاً اینگونه است که بدهی‌های دولت از سپرده‌های مردم در بانک‌های دولتی پرداخت شده است و در اینجا اتحاد مالکیت وجود ندارد. اگر موافقید در مصوبه این را نکته را بنویسید که «اگر بانک‌های دولتی از سپرده‌های مردم به دولت پرداخت کرده‌اند، بنابراین انتشار اوراق بانک‌های دولتی اشکال ندارد».

میثمی: تشخیص مصداق را آقای دکتر فرمودند حذف کنیم.

رضایی: اسم بانک لازم نیست ذکر شود. لیکن اگر بانک‌ها از حساب‌های مردم پرداخت می‌کنند، این کار اشکالی ندارد.

مصباحی مقدم: بله، این نکته ذکر شود. در منابعی که بانک‌ها، دولت را تأمین مالی کرده‌اند و دولت بدهکار شده است، منابع مالی متعلق به مردم است.

رضایی: بنابراین، انتشار اوراق بر اساس آنها اشکال ندارد.

میثمی: این نکته را با این تعبیر آورده‌ایم که اتحاد مالکیت وجود نداشته باشد. در مصوبه معمولاً توضیح ذکر نمی‌شود.

مصباحی مقدم: نبود اتحاد مالکیت ذکر شود تا موضوع به صورت روشن تبیین گردد.

اسلامیان: آیا منظور آقایان این است که سود اوراق‌سازی به مالکین سپرده‌های قرض‌الحسنه داده می‌شود؟ چه اشخاص حقیقی باشند، چه اشخاص حقوقی باشند؟

مصباحی مقدم: موضوع اصلاً مربوط به قرض‌الحسنه نیست؛ بلکه سپرده‌های سرمایه‌گذاری مبنا است.

اسلامیان: بله، سؤال این است که سپرده‌های سرمایه‌گذاری آیا قرض‌الحسنه را شامل می‌شود؟

مصباحی مقدم: خیر.

اسلامیان: سپرده‌های غیر از قرض‌الحسنه تحت چه عقود هستند؟

مصباحی مقدم: فرض کنید عقود بین بانک و دولت شرعی بوده است.

اسلامیان: آیا سپرده‌های مردم تحت عقدی بوده که به ملکیت دولت درآمده باشد؟

مصباحی مقدم: بله، مثلاً عقد مباحه.

اسلامیان: اگر اینگونه بوده است، اشکال اتحاد مالکیت وجود دارد.

مصباحی مقدم: اتحاد مالکیت میان چه اشخاصی و چگونه به وجود می‌آید؟

اسلامیان: هر چند که این پول متعلق به مردم می‌باشد، لکن به بانک تملیک شده است

مصباحی مقدم: تملیک به بانک نیست؛ بلکه به بانک وکالت داده است.

اسلامیان: اشکال را به همین دلیل مطرح کردم که اگر تملیک به بانک کرده باشد، اشکال وارد است؛ اما اگر تملیک نکرده،

اشکال ندارد.

مصباحی مقدم: وجوه، منابع وکالتی است. مردم با وکالت به بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند و بانک این سپرده‌ها را به تولیدکنندگان،

تجار، دولت و ... می‌دهد. سپس اصل و سودش را میان آنها توزیع می‌کند. حال بانک‌ها بخشی از این منابع را به دولت داده‌اند، به عنوان

مثال تحت عنوان عقد مباحه برای خرید گندم.

اسلامیان: یک سؤال دیگر این است که فرمودند اتحاد مالکیت شامل سپرده‌های مردم و دولت می‌شود، آیا بانک هنگام پرداخت

این پول قصد می‌کند که از سپرده‌های مردم استفاده کند یا از سپرده‌های دولتی؟ اگر قصد نمی‌کند از سپرده‌های غیردولتی استفاده کند

اشکال اتحاد مالکیت همچنان، وجود دارند.

مصباحی مقدم: بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مکلف است که اول از منابع مالی مردم استفاده کند. پس ما علم

نزدیک به یقین داریم که بانک‌ها در تأمین مالی متقاضیان از جمله دولت، اولویتشان استفاده از منابع مالی مردم است؛ لذا منابع مالی

مردم را تسهیلات داده‌اند و اکنون طلب دارند. این طلب میان مردم و دولت است. مردم می‌خواهند مطالباتشان را پس بگیرند و خزانه این

مطالبات را به اوراق تبدیل می‌کند و اوراق را به بانک‌ها می‌دهد تا بتوانند بدهی‌هایش را پرداخت کنند و دولت مازادی را نیز به عنوان

هدیه می‌پردازند.

اسلامیان: بالاخره در این عملیات نباید از منابع دولت استفاده شود که اشکال اتحاد مالکیت به وجود نیاید.

خاتمی: در رابطه با اتحاد مالکیت یک نکته وجود دارد، در مصوبه کمیته فقهی یک بند قرار داده شده بود به این بیان: «در صورتی

که تسهیلات اعطایی بانک‌ها به دولت از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری غیردولتی باشد، اشکالی ندارد». اگر این عبارت جایگزین عبارت

«اتحاد مالکیت» شود، بهتر نیست؟

مصباحی مقدم: بله، اگر این عبارت ذکر شود بهتر است. اتحاد مالکیت یک عبارت فنی و فقهی است. خیلی افراد منظور از این

عبارت را نمی‌فهمند؛ ولی آن بیان، شفاف و همه فهم است؛ لذا، این عبارت جایگزین شود.

اسلامیان: اگر این عبارت ذکر شود که سپرده‌های مبنای اوراق نباید در مالکیت دولت قرار گرفته باشد، (مثلاً سپرده‌های قرضی) عبارت کامل‌تر خواهد شد.

مصباحی مقدم: این مورد (سپرده‌های قرضی) اصلاً محل بحث نمی‌باشد که بخواهد خارج شود.

خانم نظری: «در صورتی که تسهیلات اعطایی مؤسسات اعتباری به دولت و شرکت‌های دولتی از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری غیردولتی باشد، انتشار اسناد خزانه اسلامی از منظر فقهی مجاز است».

آزاد: آیا شرکت‌های دولتی می‌توانند اسناد خزانه منتشر کنند؟ این بند دو بخش دارد، ما به عنوان نماینده دولت جهت بهادارسازی اوراق، تاکنون تجربه نداشته‌ایم که شرکت دولتی، اسناد خزانه منتشر کند.

میثمی: این موضوع به پیشنهاد آقای دکتر فهیمی بود و به نظر ما نیازی به آن نیست. اگر اجازه بدهید این عبارت را حذف کنیم.

مصباحی مقدم: بله حذف کنید.

آزاد: شرکت دولتی نمی‌تواند اسناد خزانه منتشر کند و اسناد خزانه به دولت اختصاص دارد. در بند «الف» نیز ذکر شده: «در صورتی که تسهیلات اعطایی مؤسسات اعتباری به دولت و شرکت‌های دولتی از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری غیردولتی باشد، انتشار اسناد خزانه اسلامی از منظر فقهی مجاز است».

مصباحی مقدم: اسناد را دولت منتشر می‌کند.

آزاد: برای شرکت دولتی، ناشر خود شرکت دولتی است و ما اجازه نداریم منتشر کنیم؛ یعنی تلویحاً به شرکت دولتی اجازه می‌دهیم که خودش اسناد منتشر کند. به نظر بنده عبارت «و شرکت‌های دولتی» حذف شود؛ زیرا موضوع این جلسه نیست.

خانم نظری: آقای آزاد این مطالباتی است که بانک‌ها از دولت و شرکت‌های دولتی دارند.

مصباحی مقدم: به جای دولت، بخش دولتی ذکر شود.

عرب‌مازار: اصلاً تسهیلات در کار نیست؛ بلکه مطالبات است.

مصباحی مقدم: بله، مطالبات درست است. مطلق مطالبات که منشأ آن منابع مالی مردم باشد، قابل تبدیل به اوراق بهادار است.

اسلامیان: مطالبات منحصر در تسهیلات است یا مطالبات غیر از تسهیلات نیز وجود دارد؟

رضایی: اگر از محل سپرده‌ها باشد؛ یعنی تسهیلاتی است.

ابوالحسنی: عبارت ذکر شده در نامه آقای دکتر اکرمی اینگونه است: «... از دولت و شرکت‌های دولتی». اگر فقط به دولت اشاره

شود، فردا یک نامه دیگر می‌نویسند که تکلیف شرکت‌های دولتی چیست؟

میثمی: دقیقاً این فرمایش آقای دکتر درست است. سعی ما این است که مصوبات شورای فقهی عام باشد. در غیر این صورت هر بخش از دولت یک مصوبه مجزا می‌خواهد.

آزاد: از نظر ما اشکالی ندارد که شرکت دولتی اسناد خزانه منتشر کند، لیکن مطابق مصوبات کمیته فقهی در سازمان بورس تا این زمان غیر از دولت منتشر نکرده است.

ابوالحسنی: این بند در رابطه با این نیست که شرکت دولتی اوراق منتشر کند. بلکه می‌گوید در صورتی که مطالبات مؤسسات اعتباری از دولت و شرکت‌های دولتی بود، انتشار اوراق، به لحاظ فقهی اشکالی ندارد. محل بحث این نیست که چه کسی اوراق را منتشر کند.

آزاد: حکم قانون دو بند دارد: «اگر دولت بدهکار باشد، وزارت اقتصاد به نیابت از دولت اوراق منتشر می‌کند. اگر شرکت دولتی به بانک بدهکار باشد، خود شرکت دولتی رأساً با تضمین خودش اوراق منتشر می‌کند». عرض بنده این است که شرکت دولتی خودش نمی‌تواند رأساً اسناد خزانه منتشر کند؛ بلکه این کار فقط توسط دولت انجام می‌گیرد.

ابوالحسنی: محل بحث شورای فقهی در رابطه با منتشرکننده اوراق نیست، به دلیل اینکه خزانه‌دار کل گفته است که بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها را می‌خواهم در قالب این اوراق تسویه کنم، از نظر فقهی چگونه است؟ شورای فقهی اصلاً در موضوع اینکه چه کسی اوراق را منتشر کند، وارد نمی‌شود. مثلاً سازمان مدیریت منتشر کند یا خزانه‌داری منتشر کند، شورای فقهی با این مطالب کاری ندارد و این مسائل مرتبط با مرحله اجرا است. به نظر بنده اگر عبارت «بخش دولتی» حذف شود، در آینده در قالب یک نامه دیگر پیرامون «بخش دولتی» از شورای فقهی سؤال می‌شود.

مصباحی مقدم: سؤال هر چه هست، جواب شورای فقهی «مانعی ندارد» است.

ابوالحسنی: فقط پیرامون کلمه «تبرعاً»، یک سؤال مطرح است. داوطلبانه که مشخص است. لیکن، آیا نیت تبرع قصد می‌خواهد؟

مصباحی مقدم: کلمه داوطلبانه کفایت می‌کند. بله، کلمه تبرع احتمالاً قصد می‌خواهد.

ابوالحسنی: خزانه نمی‌تواند بگوید؛ مثلاً من قصد نکردم. لذا، اگر امکان دارد، کلمه تبرعاً از مصوبه حذف شود.

مصباحی مقدم: اعضای که با بند اول نظرشان موافق است، اعلام رأی بفرمایند. تصویب شد. اللهم صل علی محمد و آل محمد. بند دوم را قرائت کنید.

خانم نظری: «در صورتی که دولت به صورت داوطلبانه مازادی را به طلبکاران خود تحت عنوان هبه در قالب کوپن سود و با هدف حسن القضاء یا حسن الوفاء تخصیص دهد، از منظر فقهی مجاز می‌باشد».

مصباحی مقدم: دوستانی که موافق هستند، اعلام رأی بفرمایند. بسیار خوب. تصویب شد. اللهم صل علی محمد و آل محمد.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور دوم^۱:

اصلاح ماده (۳) فرم یکنواخت قرارداد مشارکت مدنی

میثمی: دستور بعدی پیرامون اصلاح ماده (۳) فرم یکنواخت قرارداد مشارکت مدنی است که همکاران ما در اداره مطالعات و مقررات بانکی استعلام کرده‌اند. پیشنهاد مطرح شده اصلاح یکی از مواد است که به نظر ما نیز پیشنهاد بجا و در راستای حمایت از حقوق مشتریان است.

صدقی: برای صورت مسئله یک مقدمه کوتاه بیان کنیم. ماده (۳) فرم یکنواخت عقد مشارکت مدنی مبلغ کل اجرای طرح را مطرح می‌کند و مرجع ثبتی که سازمان ثبت اسناد املاک است، این مبلغ را معیار قرار می‌دهد و بر اساس این مبلغ، حق تحریر و هزینه مربوط را محاسبه می‌کند که نیم درصد است. علت اینکه این قرارداد باید ثبت شود، متن قانون است. قانون ثبت اسناد می‌گوید: قراردادهای مشارکتی (از جمله قرارداد مشارکت مدنی) مثلاً شراکت در ساخت مسکن باید ثبت شود و اگر بخواهد ثبت شود، هزینه دارد. قانون مرجع ثبتی، هزینه را از چگونه حساب می‌کند؟ طبق قرارداد مشارکت، عددی که در ماده (۳) نوشته می‌شود، هزینه اجرای کل طرح است. یعنی مشارکت طرفین، (بانک و تسهیلات‌گیرنده). این عدد، مبنا قرار گرفته و نیم درصد آن به عنوان هزینه ثبتی لحاظ می‌گردد که این مقدار زیادی خواهد شد. پیشنهادی که ما مدنظر داریم که در کمیسیون مقررات بانک مرکزی نیز مطرح و پذیرفته شد، این است که در ماده (۳) به جای اینکه هزینه کل اجرای طرح ذکر شود، فقط سهم‌الشرکه بانک ذکر شود و قاعده‌تاً به دلیل اینکه سهم‌الشرکه بانک کمتر از تسهیلات‌گیرنده است، در نتیجه هزینه مترتب، مانند ثبت و غیره، مبلغ کمتری خواهد بود و مشتری هزینه کمتری را پرداخت خواهد کرد. ابعاد حقوقی موضوع در کمیسیون مربوطه تایید شد و سپس ما از دبیرخانه شورای فقهی استعلام کردیم و لذا، در دستور کار شورای فقهی قرار گرفت.

میثمی: از منظر کارشناسی، پیشنهاد خوبی است.

رضایی: یعنی من به عنوان مشتری می‌روم بانک و می‌گویم می‌خواهم خانه بسازم و این خانه یک میلیارد تومان هزینه دارد. بانک می‌گوید، ما ۳۰۰ میلیون تومان به شما تسهیلات می‌دهیم و با فرض احراز شرایط، در مرحله ثبت عقد اینطور نوشته می‌شود که هزینه مشارکت یک میلیارد تومان می‌باشد که ۷۰۰ میلیون متعلق به مشتری و ۳۰۰ میلیون تسهیلات بانک است. در اینجا نیم درصد یک میلیارد تومان گرفته می‌شود. اما اگر بانک به ایشان بگوید فقط ۳۰۰ میلیون تومان تسهیلات داده می‌شود، مرجع ثبتی نیم درصد ۳۰۰ میلیون را به عنوان هزینه ثبت می‌گیرد.

صدقی: بله دقیقاً همین‌طور است. برای اجرایی شدن این قانون، باید ماده (۳) فرم یکنواخت عقد مشارکت مدنی را تغییر دهیم. عبارت «هزینه کل اجرای طرح» به این عبارت تغییر پیدا کند: «با توجه به هزینه کل اجرای طرح موضوع مشارکت اعلام شده در طرح توجیهی و بررسی‌های انجام شده از طرف بانک که مفاد آن مورد قبول طرفین است، بانک با پرداخت مبلغ (سهم بانک) به عنوان سهم‌الشرکه به نسبت درصد در طرح موضوع مشارکت شریک شد». مرجع ثبتی به این عدد توجه می‌کند و نیم درصد را بر اساس این عدد محاسبه می‌کند. لذا، در صورت اصلاح ماده (۳)، ۳۰۰ میلیون در اینجا ثبت می‌شود، یعنی فقط سهم‌الشرکه بانک درج

^۱ از این قسمت جلسه توسط نایب رییس اداره شده است.

می‌شود. اداره ثبت نیز عدد موجود در قرارداد را مدنظر قرار می‌دهد. ما از مرجع ثبتی نیز استعلام کردیم و گفتند که ما عدد ذکر شده در قرارداد را مدنظر قرار می‌دهیم و خود آنها نیز این پیشنهاد را تایید کردند و نگران موضوع این هزینه‌ها برای مردم بودند و اشاره کردند که به لحاظ قانونی، عدد در قرارداد مهم است.

رضایی: اگر با این پیشنهاد موافق هستید، اعلام رأی بفرمایید. تصویب شد. اللهم صل علی محمد و آل محمد.

ابوالحسنی: فقط یک نکته وجود دارد. در اصلاحیه ماده (۳) اشاره شده کل هزینه طرح که در طرح توجیهی آمده است. لذا، طرح توجیهی باید جزء لاینفک باشد. یعنی پروژه‌ای که طرح توجیهی ندارد، اگر بدین صورت ثبت شود، دچار مشکل می‌شود.

صدقی: طبق قانون ثبت اسناد، شرکت‌نامه باید ثبت شود؛ یعنی عین قرارداد مشارکت مدنی باید ثبت شود. آن چیزی که می‌فرمایید؛ یعنی مستندات و پیوست باید ذیل این موضوع آورده شود؟

ابوالحسنی: از نظر ما باید حتماً برای بانک مستندات وجود داشته باشد.

خانم چیت‌ساز: به همین دلیلی که شما اشاره فرمودید، ما اینجا ذکر کرده‌ایم که «این مقدار درصد» زیرا دلیل داشته که در ماده (۳) قرارداد مشارکت مدنی تمام هزینه اجرایی طرح را ذکر کرده‌ایم. به این دلیل که قصد داشتیم مبلغ کل قرارداد مشخص باشد. اکنون که این اتفاق در ثبت افتاده است که ناشی از قانون جهش تولید مسکن است و در آن اشاره شده که زمین جزء آورده مشتری می‌باشد و همچنین، از طرفی زمین گران است؛ بنابراین، آورده مشتری رقم بالایی دارد.

ابوالحسنی: عبارت را بخوانید.

خانم چیت‌ساز: در عبارت اشاره شده که «این مقدار درصد» از کل طرح است؛ یعنی اگر ۳۰ درصد آن ۳۰۰ میلیون است کل مبلغ طرح نیز مشخص می‌شود. خانم نظری لطفاً ماده (۳) پیشنهادی را بخوانید.

خانم نظری: «ماده (۳): با توجه به هزینه کل اجرای طرح موضوع مشارکت اعلام شده در طرح توجیهی ...»

ابوالحسنی: اینجا را عرض می‌کنم که حتماً باید طرح توجیهی باشد و پیوست قرارداد شود.

خانم چیت‌ساز: بله پیوست دارد، طرح توجیهی به نوع مشارکت‌ها نیز بستگی دارد. ممکن است مشارکت، راه‌اندازی یک خط تولید باشد که یک طرح توجیهی مفصل دارد. ممکن است، همچنین، ممکن است مشارکت در ساخت باشد که طرح توجیهی آن یک صفحه است.

رضایی: متشکریم.

ختم جلسه با صلواتی بر محمد و آل محمد